

یک پیشنهاد برادرانه به سیمین بارکزی

سیمین بارکزی، زنی که به داد خواهی برخاسته و مدعی است با رأی مردم و طرفداران خود از ولایت هرات به ولسی جرگه راه یافته است، ولی کمیسیون انتخابات با تخطی و عدول از قانون و عدالت وی را از این حق محروم ساخته و بجایش کسی دیگر را وارد ولسی جرگه نموده است. بنابراین او برضد این بی عدالتی به پا خاسته است و دست به اعتصاب غذایی زده است و از ۹ روز قبل تا کنون لب به نا و آب نزده است و با وجودی که شوهر و سه فرزندش از وی خواسته اند دست از اعتصاب غذایی بردارد، ولی او اصرار می دارد که می خواهد عدالت را به کرسی بشاند و لو برسراین تصمیمش جان خود را از دست بدهد. سیمین بارکزی خود علت اعتصاب خود را در عبارتی کوتاه اما بس استوار و محکم این طور بیان میکند:



« **انگیزه اعتصاب من:** من بغض ترکیده انسان ستمدیده افغانستان هستم؛ به خصوص انسانی که در وطن ما جنس دوم تلقی می شود. یعنی زن افغان. امیدوارم فریادی که از ترکش این بغض تولید می شود؛ به وسعت جهان طنین انداز شود. شتافتن یک زن به پیشواز مرگ؛ آنهم به منظور مبارزه با ستم و زورگویی قرون وسطایی بر خانه ملت، شاید بلند ترین فریاد ممکن در این کشور باشد. فریادی که اگر نتواند پرده های گوش انسانهای لمیده بر چوکی کشورم را به لرزه در آورد؛ شاید بتواند وجدان های بر خواب نرفته انسان های آزادی دوست جهان را به شدت تکان بدهد. فریادی که از شکستن استخوان نحیف یک زن بر فضا می پیچد؛ شاید جهان را متوجه نماید که در افغانستان چه می گذرد؟

من به جهان اعلام می کنم! مبارزه من برای به دست آوردن چوکی نیست. و الا حکومت ستم پوسیده افغانستان، بهترین چوکی ها را به من پیشکش کرده بود. مبارزه من برای پاسداری از حق، عدالت و آزادی انسان این سرزمین و نسل های بعد از من است. من می خواهم بین زندگی ذلت بار و مرگ افتخار آفرین، مرگ را انتخاب کنم؛ تا حداقل انسانهای همجنس و هم نوع من و اطفال یتیم، بعد از من، دیگر مثل من زندگی ذلت بار را تجربه نکنند و آزاد زیست نمایند.

من برج و باروی زندگی ام را ویران می کنم تا برج و باروی نظام کشورم آن قدر استحکام پیدا کند که دیگر هیچ حکومتی، کودتا بر علیه خانه ملت را حتی در تحیل هم نپروارند. من می خواهم؛ چوکی که ملت به نمایندگان خود میدهد؛ دیگر توسط هیچ قدرتی ستاندنی نباشد. من می خواهم بعد از این حکومت، تفاوت عظیم بین نماینده گی مردم و پیاده نظام شدن حکومت را به درستی درک کند. این است منطق من و این است انگیزه اعتصاب من. **زنده باد آزادی، احسنت و شادباش بر شجاعت و عزم آهنین چنین زنی که مادر سه کودک نیز است.**

باید گفت که واکنش و اعتراض در برابر زورگویی و حق کشی و بی عدالتی دولت ها، اشکال و شیوه های مختلفی دارد و یکی از طاقت فرساترین و رقت برانگیز ترین شیوه های اعتراض، اعتصاب غذایی است. اعتصاب غذایی همانطور که از نامش پیداست، میتواند در برگیرنده نخوردن تنها غذا باشد و شامل آب نباشد، زیرا خوردن آب بطور خطرناکی بر سیستم فعالیت بدن و ارگانیزم وجود تاثیر میکند و میتواند قبل از هر چیز کرده ها را از کار بیندازد و سبب

مرگ اعتصاب کننده گردد، ولی اعتصاب غذا به استثنای آب و گرفتن سیرم با آنکه قوت و نیروی جسمی را بشدت تقلیل میدهد، اما بزودی سبب مرگ نمیگردد، بشرطی که از مراقبتهای طبی محروم نباشد. چنانکه اعتصاب آعاجری، یکی از فعالان سیاسی ایرا، در چندسال قبل که بیش از ۷۰ روز در اعتصاب غذایی بسر برد، از همینگونه اعتصاب بود. یعنی که نان نمیخورد ولی آب و سیرم میگرفت و داکتران او را زیر نظر داشتند و از فعالیت ارگانیزم وجودش خانواده و دولت را مطلع میساختند، تا سرانجام دولت و رهبری آنکشور به خواستش احترام گذاشت و او هم به اعتصاب غذایش پایان داد.



گزارش های خبری حاکی است که خانم سیمین بارکزی دست به اعتصاب هر دو ماده حیاتی یعنی آب و غذا زده است و این یکی از سخت ترین نوع اعتصاب غذایی شمرده میشود. اینکه این مادر بزرگوار هراتی توانسته است از یک شنبه گذشته تا امروز دوشنبه مدت ۹ روز بدون خوردن نان و آب زنده بماند، معلوم میشود که از عزم و ایمان قوی و توان و انرژی فوق العاده بی برخوردار است.

اخبار واصله حاکی است که خانم بارکزی به دلیل ادامه اعتصاب غذایی، از سخن گفتن بازمانده است و از درد معده رنج می برد. داکتر محمدرقیق یکی تن از داکتران موظف شفاخانه استقلال که با یک امبولانس برای مراقبت خانم بارکزی موظف شده، میگوید که وضعیت صحتی خانم بارکزی روبه وخامت است. وی از نهادهای ذیربط خواست تا هر چه زودتر در مورد دوسیه حقوق خانم بارکزی تصمیم بگیرند تا وی از این خطر نجات یابد. نادره حیات معین وزارت صحت عامه نیز دو روز پیش و هنگام عیادت از خانم بارکزی گفته بود که اگر تا ۲۴ ساعت آینده وی از مایعات استفاده نکند، معده اش سوراخ شده وگرده هایش از کار می افتند.

در تاریخ کشور ما تا کنون به ملاحظه نرسیده است که زنی برای احقاق حق خود دست به یک چنین واکنش جسورانه و از خود گذرانه زده باشد. شهامت و از خود گذری این زن میتواند برای سایر زنان درد کشیده افغان که با آتش زدن خود میخواهند پیام تلخی از ظلم و خشونت غیر قابل تحمل برجس زن را به بازماندگان خود برسانند، سرمشق خوبی خواهد بود تا بجای خودسوزی و نابود کردن غیرموثر خود، از این راه وارد شوند و حق خود را از غاصبین مطالبه نمایند.

تعجب و دریغ ما از بی تفاوتی و غفلت وزارت امور زنان، اتحادیه سراسری زنان افغانستان، نهادهای مدنی و مدافع حقوق بشر و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نمایندگی سازمان ملل متحد (یونیم) و رسانه های اطلاعات جمعی داخل افغانستان است که چرا تا کنون (به استثنای دو سه رسانه داخلی) نسبت به سرنوشت این زن دلیر و با شهامت افغان که مادر سه فرزند نیز می باشد، اقدام درخور توجه به عمل نیآورده اند. بدون تردید اگر این اقدام از سوی یک زن در اروپا یا امریکا صورت میگرفت، رسانه های جمعی آنکشورها از این زن یک قهرمان میساختند، و تا سرحد به پاساختن مجسمه بنامش تبلیغ میکردند، ولی در افغانستان، چون زن از مقام و حیثیت شایسته انسانی برخوردار نیست، لذا رسانه های خبری چون تلویزیون، رادیو و روزنامه های داخلی کشور (به استثنای تلویزیون آریانا افغانستان و آریانا بیات) کمتر خبری از مطالبات برحق این زن دلیر و این مادر گرامی افغان را بگوش مردم میرسانند.

از کرزی نباید انتظار به کرسی نشاندن عدالت را داشت، زیرا تحقق این امر از توان او خارج است. مگر همین کرزی بعد از قتل هر وزیر و هر جنرال و هر والی و هر شخصیت نامدار افغان یک هیئت تحقیق تعیین نکرده است تا نتیجه قتل را بعد از بررسی به اطلاع ملت برساند، ولی تاکنون هیچ قاتل و هیچ مختلس و هیچ رشوتخور و هیچ قانون شکن کلانی به چنگ قانون و عدالت سپرده نشده است.

مگر همین کرزی بر اثر شکایات آن عده از کاندیدان انتخابات دور دوم شورای ملی که بازنده اعلام شده بودند، محکمه اختصاصی تشکیل نداد و در نتیجه بررسی تقلبات ثابت نشد که ۶۲ نفر وکیل متقلب باید از ولسی جرگه اخراج

شوند و بجای آنها ۶۲ وکیل دیگر که حق شان پایمال شده بود باید به ولسی جرگه راه یابند، چرا فیصله این محکمه که تائید استیناف و شورای عالی قضا را نیز به همراه داشت، عملی نشد؟ بخاطر اینکه ملا معنوی آنرا نپذیرفت و رد کرد و بعد از چانه زنی ها، ملا معنوی صرف ۹ نفر را پذیرفت و بقیه را استفراق کرد. در حال حاضر ملا معنوی که حمایت معاون اول کرزی را با خود دارد، بالاتر از قانون و بالاتر از ستره محکمه قدرت و صلاحیت دارد. اگر صد بار دیگر هم کرزی به ستره محکمه هدایت و فرمان بدهد و اگر ستره محکمه باز هم فیصله صادر کند که خانم سیمین بارکزی بدون موجب از ولسی جرگه محروم گردیده و باید مجدداً به کارش در ولسی جرگه ادامه بدهد، تا زمانی که ملا معنوی نخواهد، این فیصله تحقق نخواهد یافت. و چون عکس العمل خانم بارکزی از اثر تصمیم مغرضانه ملا معنوی به ظهور رسیده است، وی هرگز به این آرزوی خود که تحقق عدالت است، نخواهد رسید. ضایع شدن حیات این خانم مبارز، صدمه بزرگ و جبران ناپذیر به خانواده شان یعنی پدر و مادر، شوهر و کودکان معصوم شان میزند که درد بیکران و غیر قابل تحمل برای خانواده و ابستگان و دوستانش خواهد بود.

بنابراین خواست سیمین بارکزی از کرزی برای به کرسی نشاندن عدالت، از توان کرزی و محاکم عدلی کشور خارج است. عدالت در زیر تیغ ملا معنوی و حامیان جنایتکار وی دست و پا میزند. تا زمانی که این جنایتکاران در رأس قدرت باشند، هرگز و هرگز عدالت در افغانستان تحقق نخواهد یافت.

در اینجا میخوام به این خانم فداکار، برادرانه پیشنهاد نمایم که: ای خواهر و ای مادر گرامی! ترا بخدا و شرافتت سوگند میدهم که آیا این پارلمان با حضور این همه مجرمین جنگی و ناقضین حقوق بشر به این می ارزد که بخاطر حضور خود در این مجلس پوشالی و ناسودمند، یک تار موی خود را ضایع سازید؟ بفرمان نه. بشما پیشنهاد میکنم که اگر همین فردا کرزی فرمان صادر کند که شما دوباره بکار پارلمانی خود ادامه بدهید؛ نباید آنرا قبول نمائید که فرمان کرزی خیلی پائین تر از شأن و مقام و انسانی و غیرت زنانه شما است. به نظر من بهتر است نیروی مبارزه و مقاومت خود را برای وقت دیگری نگهدارید و در شرایط کنونی به حال کودکان خود بیندیشید که در صورت نبودن شما آنها با چه مصیبت بزرگی روبرو خواهند شد. بنابراین به اعتصاب غذایی خود پایان دهید و کودکان و شوهر و دوستان خود را از تشویش مرگ خویش رهایی بخشید.

برای شما سلامتی و طول عمر و نیروی بیشتر مبارزه با بی عدالتی و قانون شکنی در کشور آرزو میکنم.

پایان ۲۰۱۱/۱۰/۱۰